

8عقرب1392برابره31اکتوبر2014

## ریشه های ناکامی مذاکرات رئیس جمهور کرزی با پاکستان

### محمداکرام اندیشمند

نشست سه جانبه میان رؤسای حکومت سه کشور افغانستان، پاکستان و بریتانیا در لندن (7عقرب1992برابره 29اکتوبر2013) تداومی از نشست ها و گفتگوهای مشابه در جهت صلح افغانستان است. این نشست در واقع با وساطت دیوید کامرون صدراعظم بریتانیا محقق شد تا زمام داران افغانستان و پاکستان، صلح در افغانستان به خصوص مذاکره با طالبان را در رسیدن به صلح به بحث و بررسی بگیرند و به توافقاتی در این مورد دست یابند. آیا این گفتگوها که پیوسته میان کابل و اسلام آباد جریان داشته است به نتیجه خواهد رسید و ثمری در پی خواهد داشت؟

### دور باطل مذاکرات:

به نظر می رسد که اجلاس جدید لندن نیز مثل همه نشست ها و گفتگوها میان کابل و اسلام آباد دور باطل گفتگوها و نشست ها بر سر صلح باشد. نشست مشابه، 9 ماه قبل (فبروری2013) در لندن میان رئیس جمهور کرزی و رئیس جمهور زرداری صورت گرفت. هر چند صدراعظم انگلستان از پیشرفت و کامیابی مذاکرات نامبرده خبر داد و از تعهد طرفین در یک فرصت زمانی شش ماهه به صلح سخن گفت، اما نتیجه همان بود که نشست ها و مذاکرات پیش از آن در قبال داشت؛ یعنی مذاکرات بیحاصل در دسترسی به صلح. این در حالی بود که حامد کرزی در طول بیش از یک دهه زمام داری خود پس از سقوط حکومت طالبان بیست بار به اسلام آباد رفت و زمام داران پاکستان نیز بارها به کابل آمدند تا در گفتگوهای خود کلید صلح افغانستان را بصورت مشترک دریابند و بر سر رسیدن به صلح و ثبات در هر دو کشور توافق کنند. اما تمام آن نشست ها، رفت و برگشت ها و گفتگوها به جنگ در افغانستان نقطه ی پایان نگذاشت. با توجه به این روند طولانی و تکراری که مذاکرات صلح میان دو طرف چیزی بیشتر از حرکت نمایشی و دورانی در یک دایره ی باطل نیست، به نظر میرسد که این نشست نیز همچنان دور باطلی از گفتگوهای ناکام و نافرجام باشد. هر چند که در نشست سه جانبه لندن (29اکتوبر2013) به رهبری افغانستان در مذاکرات صلح تأکید بعمل آمد و نواز شریف صدراعظم پاکستان یکی از این سه طرفی بود که در ظاهر خود را به رهبری جانب افغانستان در هر گونه مذاکرات صلح متعهد نشان میداد. اما این اولین و آخرین تعهد زمام داران پاکستانی نیست که در میز مذاکرات و اظهارات رسمی و دیپلماتیک به آن انگشت میگذارند، ولیکن در عمل برخلاف آنرا انجام میدهند.

### چرا مذاکرات ناکام؟

بدون تردید این پرسش ذهن هر تبعه و شهروندی را در افغانستان و بیرون از آن به خود مشغول میسازد که چرا مذاکرات صلح میان کابل و اسلام آباد و یا مشخص تر میان رئیس جمهور کرزی و زمام داران پاکستان در این دوازده سالی که گذشت پیوسته مذاکرات ناکام و بی نتیجه بود؟ ریشه های این ناکامی به چه برمیگردد و تقصیر این گفتگوهای بیحاصل به گردن کیست؟ اسلام آباد یا کابل؟ راه حل مذاکرات مؤفقیت آمیز میان پاکستان و افغانستان بر سر صلح در افغانستان چیست و طرفین با چه دیدگاه و سیاستی قادر خواهند بود تا از این گفتگو ها بستری پایدار در مسیر صلح بسازند؟

### **مذاکرات غیرشفاف :**

یکی از دلایل ناکامی مذاکرات طرفین پاکستان و افغانستان بر سر صلح در افغانستان به عدم شفافیت طرفین بر سر مؤلفه های جنگ و موانع صلح از زاویه ی نقش و دخالت پاکستان بر میگردد. در حالی که جانب افغانستان با ذهنیت دخالت پاکستان در جنگ بر سر میز مذاکره با پاکستانیها می نشیند تا توافق پاکستان را از دخالت به جنگ به همکاری با صلح تغییر دهد، اما هیچگاه دلایل و عوامل این دخالت را با شفافیت و صراحت بیان نمی کند. جانب پاکستان نیز از بیان روشن دلایل و مطالبات خود از دخالت در افغانستان هر چند که مقوله و تعبیر دخالت را نمی پذیرد، احتراز میورزد. صرف نظر از اینکه طرفین تا چه حدی در میز گفتگو و در فضای محدود و ناآشکار مذاکرات، بحث و صحبت شفاف و صریح دارند، اما هیچگاه بصورت روشن و آشکار به مردم، نهاد های مدنی و رسانه ها از عوامل و دلایل اختلاف سخن نمی گویند.

دولت مداران افغانستان از رئیس جمهورکرزی تا وزیران و رئیسان نهادهای دولتی و بسیاری از سیاست پیشگان و گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی که گوش ها را از دخالت پاکستان کر ساخته اند و در هر جا و هر فرصتی انگشتان خود را بسوی پاکستان نشانه می گیرند که مانع صلح و ثبات افغانستان می شود، اما هیچگاه بصورت روشن و شفاف نگفته اند که ریشه های این دخالت از کجا آب میخورد و انگیزه ی پاکستان از این دخالت چیست؟ این در حالی است که ریشه های دخالت پاکستان به اختلافات ارضی و مرزی با افغانستان بر سر مرز دیورند بر میگردد و مسایل دیگری چون روابط میان دهلی و کابل، دسترسی به بازارهای آسیای میانه، دسترسی به آب رودخانه های شرق افغانستان، بخشی از مؤلفه های این دخالت را شکل میدهد. حل این اختلافات با پاکستان مستلزم گفتمان ملی میان دولت و نهادهای مدنی و مردم در داخل افغانستان در جهت تدوین یک استراتژی ملی بر سر این مسایل است، ولیکن زمام داران کشور ما و به خصوص رئیس جمهور کرزی در این دوازده سال حکومت خویش نیاز این گفتمان را مورد عنایت قرار نداد.

### **دوگانگی در مذاکرات:**

سیاست دوگانه و فاقد صداقت میان طرفین یکی از عوامل اصلی ناکامی مذاکرات است. زمام داران افغانستان و پاکستان در طول بیش از نیم قرن اختلافات علی

رغم مذاکرات دایمی، رفتار مخدوش، دوگانه، و بازیهای استخباراتی یا اطلاعاتی در مقابل هم داشته اند. هر چند جانب افغانستان، پاکستان را پیوسته به این سیاست متهم می کند، اما شماری از حکومت ها و زمام داران افغانستان نیز با این کارت وارد بازی با پاکستان شدند؛ علی رغم آنکه پاکستان در این بازی دوگانه و استخباراتی پیوسته برتری آشکاری نسبت به افغانستان داشته و به خصوص در چهل سال اخیر، صلح و ثبات افغانستان را در گروگان خود گرفته است.

اگر اسلام آباد در اواسط دهه ی هفتاد سده بیستم عیسوی (جولای 1975) به شورش مسلحانه ی جریان اسلامی در لغمان و پنجشیر کمک نظامی کرد، دولت افغانستان برهبری سردارمحمدداود قبل از آن معارضان پشتون و بلوچ را تحت تعلیمات نظامی قرار داد و آنها را مسلح ساخت تا علیه اسلام آباد بجنگند. حتی دولت افغانستان برهبری حامد کرزی در شرایط فعلی که حیات و بقایش در گرو حمایت نظامی و مالی امریکا و کشورهای غربی است بجای مذاکرات شفاف و صادقانه با پاکستان و حل اختلاف و خصومت با آن کشور در صدد بازی دوگانه است. کاراطلاعاتی و اپراتیفی در وزارت سرحدات که پول های بی حسابی را به مفتخواران قبایلی آنسوی دیورند می بخشد، همچنان ادامه دارد. در حالی که طی سالهای اخیر از حضور طالبان پاکستانی مخالف اسلام آباد به فرماندهی ملافضل الله در ولایت کنر سخن میرود، دستگیری لطف الله محسود معاون تحریک طالبان پاکستان از ولایت لوگر توسط نیروهای امریکایی که برای مذاکره با سازمان استخباراتی افغانستان (امنیت ملی) آمده بود، نشان دیگری از بازی دوگانه و استخباراتی کابل بجای مذاکرات شفاف و صادقانه با اسلام آباد است. روزنامه امریکایی نیویارک تایمز پس از بازداشت محسود در لوگر از سیاست کابل علیه پاکستان در همکاری مخفیانه و استخباراتی با طالبان پاکستانی سخن گفت.

### راه موفقیت مذاکرات صلح در چیست؟

اگر مذاکرات و گفتگو با پاکستان کلیدی در جهت صلح افغانستان تلقی شود و یا کم از کم اراده و عمل پاکستان را از دخالت به جنگ به همکاری در جهت صلح متحول سازد، راز این موفقیت در چیست و میکانیزم این موفقیت کدام است؟ برخی از تحلیلگران و دولت مداران افغانستان مقابله ی بالمثل را با حمایت نظامی و استخباراتی از مخالفان اسلام آباد در داخل پاکستان کلید این موفقیت میدانند و حتی آنها از الزامات مذاکرات مثمر و نتیجه بخش با پاکستان تلقی میکنند. آیا این تلقی و تحلیل، اهداف افغانستان را در قطع دخالت پاکستان و حتی در جهت دسترسی به مطالبات کابل از اختلاف و منازعه بر سر دیورند برآورده می سازد؟ در نگاه و دیدگاه معطوف به عقلانیت سیاسی نه تنها که افغانستان فاقد توانایی و فاقد ظرفیت های مورد نیاز در بازیهای دوگانه و اطلاعاتی با پاکستان است، بلکه این بازی همچنان افغانستان را در گرداب بی ثباتی فرو می برد. از جانب دیگر، این یک سیاست ناکام و تکراری است که دولت ها و زمام داران پیشین افغانستان آنرا تجربه کردند.

راز موفقیت مذاکره با پاکستان بر سر صلح به شفافیت و صداقت طرفین در این مذاکره برمیگردد. گذاشتن تمام موارد و مسایل مورد اختلاف و منازعه بر سر میز مذاکره و گفتگوی صریح در یافتن راه حل آن، مستلزم این شفافیت و صداقت است.